

جوابیه ستاد احیای دریاچه ارومیه به گزارش «فرهیختگان» و پاسخ ما

ابروباد و مه و خورشید و فلک و احیای دریاچه ارومیه

مدیرمسئول محترم روزنامه فرهیختگان

موضوع: پاسخ به مطلب مندرج در صفحه جامعه شماره روز یکشنبه مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۹ با اقتباس مطالب مصاحبه فردی به نام محمد درویش با عنوان «ستاد احیای دریاچه ارومیه کارنامه شکست خورده و ناموفق داشته است» در سایتی غیرمعتبری به نام رکنا ۲۷ فروردین ۱۳۹۹. با سلام و احترام؛

سایت خبری رکنا در خبر شماره ۵۵۹۳۷۵ مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۹، در گفت‌وگویی با فردی به نام محمد درویش تحت عنوان «آسمان بارید دریاچه زنده شد. مسئولان پژ دادند! عملکرد ستاد احیای دریاچه ارومیه زیر تیغ نقد» مطالبی پیرامون طرح نجات دریاچه ارومیه را منتشر کرده که در کمال تعجب روزنامه‌وزیر فرهیختگان نیز بدون توجه به اصالت مطالب بیان شده نسبت به استفاده از همان سخنان فاقد ارزش، نموده است. لذا به استناد ماده ۲۳ قانون مطبوعات، پاسخ موارد مطرحه را به حضور ارسال می‌گردد تا طبق قانون پیش گفته عینک در اولین شماره آن روزنامه در همان صفحه منتشر گردد. متن پاسخ ستاد احیای دریاچه ارومیه به شرح زیر است:

نقد عالمانه، هنگامی موفق به ادای رسالت خود یعنی بهبود و ارتقای وجه وضع موجود خواهد شد اولاً ناقد بر جنبه‌های مختلف پدیده نقدشونده احاطه داشته باشد و ثانیاً در بیان آنها، به بررسی و ارزیابی توأمان نقاط قوت و ضعف پرداخته و به بیان دقیق تر، از صراط انصاف خارج نگردد. گزارش این گفت‌وگوی موفق به احراز این دو شرط کلیدی نشده و ولو با ذکر القاب کارشناسی پرطمطراق، نقد طرح شده جنبه نمایشی به خود گرفته و به جای اثر سازنده، با ارائه ملغمه‌ای از اطلاعات نادرست و نادقیق، ارزش عمل دست‌اندرکاران طرح، کشاورزان، کارشناسان و تخیکان دانشگاه‌ها و نیروهای خدوم دستگاه‌های اجرایی در حوضه را نادیده گرفته است. مساله چرایی تکرار هر ساله این تیتیر خبری در این ایام، یک بار در اردیبهشت ۱۳۹۸ در روزنامه جوان و این بار با استفاده از روزنامه فرهیختگان توسط فردی پرمدها و مغرض است که دست بر قضا نگاهی گذرا بر اعداد و ارقام بیان شده توسط ایشان فقدان هر گونه صواب در حوضه منابع آب را نشان می‌دهد در جایگاه خود نیازمند رسیدگی است.

جای تعجب ندارد، برخلاف تکیه گزارش گفت‌وگو بر آگاهی به عدد و رقم رذیایی از اشراف حداقلی بر اعداد در حوضه منابع آب که به صورت ادواری و متممادی در دسترس عموم قرار دارد دیده نمی‌شود و طبیعتاً از این عدم تسلط چیزی جز ادعایی بی‌اساس نظیر هدررفت اعتبارات طرح ملی نجات دریاچه ارومیه انتظار نمی‌رود. به عنوان نمونه، درمورد کشف چغندر قند

در حوضه آبریز دریاچه ارومیه از افزایش ۳۰ هزار هکتاری سطح زیر کشت چغندر قند در عرض ۵ سال در یک شهرستان میاندوآب گفته شده است یک حس حداقلی به هکتار و هزار و چغندر قند ناگفته گویای این است که چقدر این عدد خارج از عقل است. اطلاعات مستند وسعت کشف این محصول در کل ۲۱ شهرستان حوزه در سطح نیاز کارخانجات استان تنظیم گردیده است. با در نظر گرفتن این مطلب که وسعت کل کشت چغندر قند در کل استان آذربایجان غربی از سال ۹۳-۱۳۹۲ تاکنون حدود ۳۰ هزار هکتار تنظیم شده و بر این اساس سطح زیر کشت چغندر قند در شهرستان میاندوآب از ۶۰ هکتار در سال زراعی ۱۳۹۲-۹۳ با روندی کاهشی به ۳۵۶۰ هکتار در سال زراعی ۱۳۹۷-۹۸ رسیده است. البته که برای ایجاد هیجان‌رسانی اغراق و غلو در اعداد ارقام یک شیوه پیش‌افتاده و منسوخ است ولی ذکر این ارقام و نادرست، عملاً نادیده گرفتن زحمات کشاورزانی است که در دل در گرو دریاچه ارومیه داشته و با همراهی مثال‌زدنی خود با طرح ملی نجات دریاچه ارومیه، اقدام به کاهش سطح زیر کشت محصولات کرده‌اند....

گفته شده که بارش سه‌ساله اخیر در تمامی ۶۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. اولاً که طول دوره عمر برداشت داده‌ها بارش در حوضه دریاچه ارومیه قدمت ۵۱ ساله دارد و ۹۰ سال پیش از آن طلب متخصصین آب کشور از فرد مورد مرجع قرار گرفته در آن روزنامه، همچنین لازم به توجه است طول دوره اجرای طرح نجات دریاچه ارومیه به شش سال گذشته مربوط می‌شود که هم شاهد سالی با کمبود بارش ۳۱ درصدی بارش نسبت به میانگین ۵۱ ساله در سال آبی ۹۶-۱۳۸۵ بوده و هم سال‌های ترسالی همچون سال آبی گذشته نیز در خود داشته است. جهت استحضار خوانندگان محترم آن نیز نام‌ورگنه که مصاحبه‌شونده بارها بیشتر این اصول ابتدایی به ایشان آموزش داده شده و البته که بارش حوضه آبریز دریاچه ارومیه در سال آبی جاری نسبت به سال آبی گذشته ۳۲ درصد کمتر بوده است.

نمونه بارز دیگر از فاصله دانش ایشان، بیان بارش ۸۰ میلیارد مترمکعبی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه است. حاصلضرب بارش‌های ۲۷۷،۹۰ و ۴۹۴ میلیمتری در سه سال آبی گذشته بر وسعت ۵۱۸۰۱ کیلومتر مربعی حوضه آبریز عددی بین ۱۴۰۲ میلیارد مترمکعب تا ۲۵۶۱ میلیارد مترمکعب در این حوزه خواهد شد. باید تأکید کنیم که با آشنایی ابتدایی با چرخه آب به عنوان کلیدی‌ترین رکن فرایندهای زیست‌محیطی هر منابع آب مقدار را که میزان آب تجدیدپذیر است که همه برنامه‌های نیاز آبی اعم از شرب، صنعت کشاورزی و نیاز زیست‌محیطی می‌باشد و مابقی نزولات به

اشکال مختلف به چرخه آب بازگشته و از دسترس استفاده بشری خارج هستند. آب تجدیدپذیر آبی است که در یک بازه زمانی معین از طریق چرخه‌های هیدرولوژیکی یک منطقه تجدید می‌گردد شامل ترها مخازن و سفره‌های آبی ناشی از نزولات جوی روان آب‌ها و آب‌های زیرزمینی است که میزان پتانسیل بالقوه سالانه آب تجدیدپذیر حوضه آبریز دریاچه ارومیه برابر با حدود ۷۰۱ میلیارد مترمکعب است این جاست که ۴۰۷ میلیارد مترمکعب آب موجود در دریاچه ارومیه با در نظر گرفتن تأمین کلیه نیازهای شرب، صنعت و کشاورزی حوزه اهمیت ویژه خود را نشان می‌دهد. البته که یادگیری تفاوت بین بارش مستقیم با منابع آب تجدیدپذیر با توجه به کسری قدرت یادگیری ایشان نیازمند صرف وقت بیشتری خواهد بود. که پیشنه‌های نامید از این پس پیش از تعجیل در مصاحبه‌های متعدد قدری بر سوابق خود بر ادبیات ابتدایی منابع آب بیافزایند.

در پاسخ به شائبه هدررفت منابع مالی طرح ملی نجات دریاچه ارومیه، ضمن تأکید بر این مطلب که دستگاه‌های نظارتی از ابتدای کار تاکنون به‌طور پیوسته بر نحوه عملکرد این اعتبارات نظارت و اشراف داشته‌اند. نگاهی به طیف گسترده اقدامات طرح ملی نجات دریاچه ارومیه که تفصیل آنها در این مقال نمی‌گنجد و در ذیل تنها به اسامی آنها اکتفا شده. نشان می‌دهد که امتیازات این طرح ملی به دست دستگاه‌های اجرایی استان و در پروژه‌های احیای دریاچه مصرف شده‌اند و یقیناً هموطنان در حوضه آبریز دریاچه ارومیه تغییر محسوس و جهش خاص حوضه در حیطه مدیریت منابع آب جهت احیای دریاچه را شاهد بوده‌اند و ثمرات آن را تصدیق می‌نمایند.

شرکت‌های آب منطقه‌ای: طرح تعادل بخشی، طرح سر دهنسازی، اصلاح و بازسازی دریاچه‌ها و آبیگری‌های رودخانه‌ها، طرح مرمت و بازسازی شبکه‌های آبیاری و زهکشی، طرح لایروبی و مسیرگشایی رودخانه‌های منتهی به دریاچه، طرح تکمیل و تجهیز شبکه‌های سنجش آب‌های سطحی و زیرزمینی، احداث سد سیلوه و کانال انتقال آب جلدیان، احداث سد چپرآباد و پروژه اتصال زرینه‌رود به سیمینه‌رود.

سازمان‌های جهاد کشاورزی: مطالعه و اجرای سیستم‌های نوین آبیاری تحت فشار، مطالعه و اجرای خطوط انتقال آب لوله، مطالعه و اجرای شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی، تهیه نقشه کاداستر اراضی کشاورزی، طرح جامعه زراعت، طرح جامعه ترویج، اصلاح و نوسازی باغات درجه ۲ و حذف و جایگزینی باغات درجه ۳.

شرکت‌های آب و فاضلاب: طرح‌های احداث و ارتقای ظرفیت تصفیه

جوابیه

تصفیه‌خانه‌های شهرهای حوضه آبریز، طرح‌های احداث و ارتقای شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب و خطوط انتقال و احداث ایستگاه‌های پمپاژ. اداره کل‌های منابع طبیعی: تهیه و اجرای طرح‌های جامعه مقابله با بیابان‌زایی.

اداره کل حفاظت محیط‌زیست: طرح حفاظت، پایش و احیای دریاچه ارومیه، تالاب‌ها و رودخانه‌ها در معرض خطر.

اداره کل هواشناسی: ارائه خدمات فنی، هواشناسی و اقلیم‌شناسی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه. ضمن شاکر بودن از الطاف الهی در نزول بارش قابل توجه در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، خالی از لطف نیست که در تبیین گوشه‌ای از اثر اقدامات طرح ملی نجات دریاچه ارومیه در مساعد شدن وضعیت دریاچه، مروری بر نتایج گزارش رسمی شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی داشته باشیم. در این طرح، تنها لایروبی و هشت رودخانه اصلی حوضه آبریز دریاچه ارومیه در محدوده استان آذربایجان غربی، ظرفیت آب‌گذری آنها را از ۲۲۹ مترمکعب بر ثانیه بر ۷۹۳ مترمکعب بر ثانیه ارتقا داده است. به عنوان نمونه دیگر، در قالب اجرای طرح سر دهنه‌سازی اصلاح و بازسازی دریاچه‌ها و آبیگری‌های رودخانه‌های استان آذربایجان غربی با احداث ۷۳ سردهنه بر روی رودخانه‌های باراندوز، نازلو، گدار، سیمینه‌رود و زرینه‌رود، شاخص بهره‌وری انسداد آنها را رشدی ویژه به حد ایده آل رسانیده و در همه موارد، با مدیریت آب سطحی در دشت‌های مربوطه، ضمن تأمین به موقع و مکفی نیاز کشاورزی، از آمازادای را که پیش از آن صرف توسعه بی‌رویه کشاورزی می‌شده را به سمت دریاچه‌ها منسوخ ساخته است. در پایان، مجدداً تأکید می‌شود طرح ملی نجات دریاچه ارومیه هیچ‌گاه به دنبال استفاده ابزاری از نتایج طرح نبوده و نیست و توفیق خدمت به مردم و حال خوب این روزهای دریاچه ارومیه را که در شرایط فعلی ناشی از شیوع بیماری توانسته با برقه‌امیدی در دل مردم حوضه و کشور باشد را موهبتی الهی می‌داند و تلخ کردن شیرینی این اتفاق نوبدبخش در کام دوستداران دریاچه ارومیه را خلاف منش ایرانیان می‌داند.

باتشکر روابط عمومی ستاد احیای دریاچه ارومیه

پاسخ «فرهیختگان»:

۲۶ خردادماه نیز همین برنامه دوباره میزبان مناظره درویش و تجربیshi در ارتباط با مساله احیای دریاچه ارومیه و اقدامات ستاد احیای این دریاچه بوده است.

اما این همه تناقض‌گویی‌های موجود در این جوابیه نیست و نبود. در جایی دیگر به اجرای طرح سردهنه‌سازی اصلاح و بازسازی دریاچه‌ها و آبیگری‌های رودخانه‌های استان آذربایجان غربی با احداث ۷۳ سردهنه روی رودخانه‌های باراندوز، نازلو، گدار، سیمینه‌رود و زرینه‌رود و... اشاره شده است که در این رابطه هم بد نیست به اظهارات فرهاد سرخوش، مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی در ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۹۷ اشاره کنیم که با ابراز تاسف از اینکه طبق بررسی کارشناسان، در زمین‌های بالادست در اطراف نازلو و باراندوز ارومیه توسعه اراضی کشاورزی اتفاق افتاده است، اظهار کرده: «طبق مصوبه هیات‌دولت هرگونه توسعه اراضی کشاورزی و تبدیل کشت‌دیم به آبی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه ممنوع است ولی طبق بازدید میدانی و بررسی‌ها GPS مشخص شد در مناطق ذکرشده این تغییرات انجام شده که لازم است جهاد کشاورزی استان با این تخلف به‌جد برخورد کند.» نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، مساله کشت چغندر قند است که مسئولان روابط عمومی ستاد احیای دریاچه ارومیه در جوابیه بالا اعداد اعلام‌شده در گزارش روزنامه «فرهیختگان» را غیرمنطقی می‌خوانند. اما اسمعیل کریم‌زاده، رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی دی‌ماه ۹۶ در این ارتباط با اشاره به میزان سطح زیر کشت رفتن زمین‌های کشاورزی این استان برای تولید چغندر قند اظهار داشت: «امسال ۳۰ هزار هکتار از اراضی استان برای تولید این محصول به زیر کشت رفته است.» قربانعلی سعادت، استاندار سابق آذربایجان غربی نیز در این رابطه گفته بود: «مصوبه‌هایی که در سال ۹۵ در ارتباط با کشت محصول چغندر قند و خرید و فروش این محصول وجود داشت، باید عملی می‌شدند که نشدند. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، قرار شد تا ۲۴ هزار هکتار سطح زیر کشت چغندر قند برود که متأسفانه ۳۲ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان به زیر کشت این محصول رفت.»

اما از همه اینها مهم‌تر اظهارات خود مسعود تجربیshi، دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه در ارتباط با اجرای کشت چغندر قند در این منطقه است. او شهریورماه سال گذشته در این رابطه در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: «میزان چغندر قند تولیدی

ارومیه که بودجه مشخصی دارد و... نبردازیم، پس وقتی در ارتباط با این مساله به نوشتن گزارش می‌پردازیم و به این ماجرا توجه می‌کنیم حتماً نشان از اهمیت بالای این موضوع و دلسوزی جامعه رسانه‌های کشور دارد. این مساله هم که رسانه‌ها برای بررسی دقیق فعالیت‌های دریاچه ارومیه سراغ چه کسانی بروند و از نظرات چه کارشناسانی بهره‌مند شوند، در اختیار رسانه است. اما برای بهتر روشن شدن موضوع و تشریح مشی «فرهیختگان» به عنوان تنها روزنامه دانشگاهی کشور باید اشاره کنم که بارها برای ارتباط گرفتن با آقای تجربیshi، دبیر این ستاد با آن مجموعه به طرق مختلف ارتباطاتی گرفته شد، اما هر بار تقریباً این مساله به در بسته خورد و امکان گفت‌وگو آن هم از طرف روابط عمومی آن مجموعه حاصل نشد. چندین سفر آقای تجربیshi و جلسات ایشان و چندبار هم نامه‌نگاری (که البته نامه‌نگاری‌هایی هم صورت گرفت) بهانه شد تا اینکه امکان گفت‌وگوی حضوری ایجاد نشود. مضاف بر این و در چنین شرایطی بهتر این است که نگاه‌زنده به‌جای دخالت‌نظرهای شخصی خود با کارشناسان این حوزه به‌گفت‌وگو بنشینند و به‌همین منظور می‌توان ادعا کرد که در حوضه درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست و از مدیران سابق سازمان حفاظت از محیط‌زیست کشور از صالح‌ترین و مطلع‌ترین افرادی است که می‌توان سراغ او رفت و از نظراتش در حوضه‌های این چنینی بهره برد. در جایی از جوابیه متأسفانه و به‌دور از اخلاق و انصاف نسبت‌های ناروایی به محمد درویش داده شده؛ به‌عنوان فردی پرمدها و مغرض از او یاد شد! خیلی قصد دفاع از شخصیت محمد درویش و فعالیت‌های او در حوزه محیط‌زیست ندارم، اما لازم می‌بینم به چند مساله و موضوع در همین رابطه اشاره کنم.

یکشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۸، برنامه میزبان، رادیو ایران شاهد مناظره محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست با مسعود تجربیshi، دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه بود! در این برنامه انتقادات زیادی به پروسه فعالیت‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه از طرف درویش وارد شد و تجربیshi به‌عنوان دبیر این ستاد با بخش قابل توجهی از این انتقادات موافق هم بود! خوب، پس اگر درویش فرد مغرض و پرمدهایی است و نباید به گفته‌های او در رسانه‌ها اعتماد شود و... چرا دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه حاضر به مناظره با او شده است؟ البته آن هم نه برای یک برنامه و چند دقیقه، که این مناظره بخش دومه هم داشت و در تاریخ

نقد عالمانه، هنگامی موفق به ادای رسالت خود یعنی بهبود و ارتقای وجه وضع موجود خواهد شد اولاً ناقد بر جنبه‌های مختلف پدیده نقدشونده احاطه داشته باشد و ثانیاً در بیان آنها، به بررسی و ارزیابی توأمان نقاط قوت و ضعف پرداخته و به بیان دقیق تر، از صراط انصاف خارج نگردد. «این بخشی از همین جوابیه‌ای است که ستاد احیای دریاچه ارومیه به روزنامه «فرهیختگان» فرستاده و به گزارش این روزنامه انتقاد کرده است. با وام گرفتن از همین مساله باید به دوستانی که زحمت نگارش این جوابیه را کشیده‌اند، گفت که با چه سند و مدرکی ادعا می‌کنند که گزارش تولیدی این روزنامه و گفت‌وگو با محمد درویش، فعال محیط‌زیست اقتباس از مطالب رسانه دیگری بوده است؟ آیا یک فعال و کارشناس حوزه محیط‌زیست امکان آن ندارد که در یک روز یا در فواصل زمانی نزدیک با چند رسانه در ارتباط با یک مساله خاص گفت‌وگو کند؟ باید پس به این دوستان گفت کمی خشم خود را از مطالب ارائه‌شده در گزارش فروخورند و صرفاً به‌دلیل شباهت محتوای دو گزارش در دو رسانه (البته درمورد یک مساله واحد) به رسانه دیگر انگ اقتباس یا کپی‌برداری از محتوای رسانه دیگر را نزنند. با توجه به همین مساله می‌توان گفت به‌صورت کلی این جوابیه از همان ابتدا و از همان محتوای موضوع جوابیه غلط اندر غلط نوشته شده و می‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد، چرا که مشخص است مسئولان روابط عمومی ستاد احیای دریاچه ارومیه زحمت خواندن گزارش روزنامه «فرهیختگان» را به خود نداده‌اند و صرفاً با مشاهده تیتیر و نزدیکی محتوا به گزارش رسانه‌های دیگر دست به قلم شده و این‌طور عصبانی و با غرض به گزارش «فرهیختگان» نقد وارد کرده‌اند.

اما از این مساله که بگذریم، باید گفت نکات جالب دیگری هم در این جوابیه وجود دارد. به‌هر حال می‌دانیم یکی از اصلی‌ترین شعارهای دولت تدبیر و امید و همچنین شخص رئیس‌جمهور مساله احیای دریاچه ارومیه بود، ماجرابی که نه‌تنها برای دولت، که برای همه مردم ایران و مردم این منطقه حیاتی و مهم بوده و خواهد بود. اما این اهمیت داشتن به‌معنی این نیست که چشم‌به‌واقعیت‌های موجود ببندیم و به بررسی فعالیت‌های ستادی تحت‌عنوان ستاد احیای دریاچه

